

انقلاب به حساب می‌آورد حالا به بالاترین مقام اجرایی انقلاب اسلامی ایران رسیده بود. شاید آنها در این فکر بودند که همه چیز طبق برنامه‌ریزی‌شان پیش خواهد رفت و شاید همین‌طور هم بود. اکثریت اعضای دولت موقت مهندس بازرگان از میان اعضای جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر انتخاب شدند. او حتی وزارت دادگستری و یا تبلیغات را هم به عبدالکریم پیشنهاد داد.^{۱۳۲}

باتر بارها به ایران آمده بود و مسئولان جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر از جمله بازرگانانی داشت. جلساتی که قرار بود با موضوع حقوق بشر برگزار شود اما معمولاً برای آمریکایی‌ها حقوق بشر قدرش در آخرین اولویت‌ها داشت. محمد حسین هیگل روزنامه‌نگار مصری می‌گفت: حدود اواخر نوامبر بود که به بازرگانان، که اکنون آزاد بود و ریاست کمیته داشت از حقوق بشر گفت. به این جهت داشت گفته شد که همیشه از کمیته حقوق بشر آمریکا به تهران می‌دند و امیدوار آنست که او و چند تن از همکاران در اعتراضات ببینند. هیگل می‌گفت آمریکایی‌ها مثل من فکر می‌شد و به زودی معلوم گردید آنچه که آنها خواستار سخن گفتن درباره آن بودند سیاسی است و نه مسائل حقوق بشر.^{۱۷۱}

این ملاقات‌ها دست کم چهار بار دیگر نیز تکرار شد و در دفعات آخر سولیوان - سفیر آمریکا در تهران - شخصا در جلسه حاضر می‌شد و به ارائه راهکارهایی برای انتقال قدرت می‌پرداخت.^{۱۶۸}

ابراهیم یزدی در توضیح یکی از این جلسات گفت: علاوه بر آقای مهندس بازرگان، سه نفر دیگر از طرف جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر حضور داشتند در آن جلسه به هیئت آمریکایی گفته شد: شما باید ورود را تعیین تکلیف قطعی تغییر نظام، یک شورای سلطنت که اعضای آن مورد قبول کمیته حقوق بشر و شخص امام باشد مسئول انجام وظائف قانونی را به عهده بگیرد، تا دولت ملی مورد اعتماد مردم بر سر کار بیاید.^{۱۶۶}

به نظر می‌رسد
یک واسطه را ب
یک تغییر سا
حداقل شاخصه

می‌رسید جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر نقش یک واسطه را برای آمریکا جهت انتقال قدرت بازی می‌کرد؛ یک تغییر ساختار تدریجی از رژیم شاه به حکومتی که حداقل شاخصه‌های مورد قبول ایالات متحده را داشته باشد؛ از نظر امام خمینی (ره) تکلیف نظام مشخص بود و رژیم پهلوی باید سرنگون می‌شد، برای همین هرگز شورای سلطنت را به

بر امور سیاست خارجی را مسئول
آمریکایی‌ها دانسته بود و تاکید
بر نامه باشد باعث سردمداران
داشته باشند که می‌توان ایران
را به فشارهای سیاسی عقب
راند. «تاریخ نشان داده ایران
در فشار سیاسی بین‌المللی جواب
نمی‌دهد»
ارتش عراق توسط نیروهای
وقت از طریق سفیر سوئیس
به واشنگتن ارسال کرد تا با
های آمریکا را درباره برنامه‌های
آن حمایت ایران از حزب الله و
تخفیف دهد.»

[illegible]

در اداره تحولات خاور نزدیک، دیسمی را تحت فشار گذاشتند تا به کمپانی در دولت ایران از این طرح است و مفاد این طرح چگونه به دست بگردد. گودولیمان اما در این خصوص طرف می‌زد. در نهایت پیام‌هایی دریافت داشتند و پیشنهاداتی که از شخص مطهری می‌شد بر ماست: «فدیه سیاه‌انداخت، ما آن سند و گوی جیم باگودولیمان را به پیکارد آرمیتاز منتقل کردیم. ما نیز ذکر کردیم که احتمالا تایید مقامات عالی‌رتبه رهبری اه ندارد».

با توجه به این شواهد می‌توان
درد بحث از جانب آمریکایی‌ها
و ضمناً حمایت برخی مسئولان
اصلاحات را نیز به همراه داشت.
مور که آقای دکتر کمال خرازی
ن نامه، سندی رسمی نبوده و
آن واقع نشده است. بر این اساس
طرف آمریکایی خودسرانه و از
مسئولان وقت دولت اصلاحات
ست.

ممكن بود امريكا به ما حمله دند. به همين خاطر به پيشنهاد من دولت هشتم نامه‌اي به امريكا نوشت و همراهش ايل برخي سياست‌هاي اخرومينه‌اي امريكا مثل سايش در فلسطين و تلووم تبديل حزب الله لبنان به يك حزب سياسي و شفاف‌سازي فعاليت‌هاي هسته‌اي ايران را اعلام كرد اما دسوازي بعمادي ميان ايران و امريكا به قدری بلند بود كه امريكايي‌ها حتي نامه را برسي نكرند.» همچنين آقاي «محمد حسين

پهانی:
ر که در جوابیه آقای دکتر کمال
ست. ایشان به عنوان وزیر خارجه
مهای از طرف ایران برای آمریکا
اند. بر این اساس چنانچه مطلب
سوء برداشت مخاطبان شده از
خواهیم. همان طور که در پاورقی
۹۹ آمده بود این قسمت از متن،
بهای حوزه تاریخ معاصر (منتشر

افای دکتر کمال خرازی وزیر خارجه دولت
 صلاحات در پاسخ به یکی از بخش های پاورقی
 کیهان با عنوان «نامه محرمانه دولت خاتمی به
 رئیس جمهور آمریکا» جوابی برای ارسال داشته
 که متن آن به شرح زیر است:
 در روز ۹۹/۱۰/۱۰ روزنامه کیهان مطلبی
 را تحت عنوان «نامه محرمانه دولت خاتمی به
 رئیس جمهور آمریکا» منتشر کرد که بی اساس
 و کذب محض است. در واقع چنین نامه

جوابیہ وزیر خارجہ دولت اصلاحات و توضیح کیہان

ماجرای یک نامه



«عالی» که آن زمان معاون وزیر امور خارجه ایران بود، طی مصاحبه‌ای با بی.بی.سی این نام را تأیید کرده و گفتند: «نامی برای آمریکایی‌ها فرستاده شد تا نشان دهد که ما آماده گفتگو و حل معضلات هستیم. این اقدام در راستای سیاست‌های محمدخانی بود که می‌خواست همه راه‌های مسالمت‌آمیز را بپایماید.» آقای محمدجواد طریف نیز پیش‌تر به این طرح اشاره کرده‌اند: «مؤلفه‌های مهمی برای این امر به طرح وجود داشت، یعنی مؤلفه احترام متقابل [...]. آمریکایی‌ها در پاسخ به طرحی که تلاش هوشمندانه جهت رفع تمام موارد نگرانی دوجانبه بود، آن را به سادگی نادیده گرفتند.» در کنار این اظهارات مسئولان وقت دولت، اصلاحات، چهره‌های آمریکایی نیز به روایت خود از این نامه پرداخته‌اند: «دنیس راس» - مشاور ارشد جورج شوش پدر و پسر و فرستاده ویژه کلیتون در مسائل خاورمیانه طی مقاله‌ای در مجله نیویورک تایمز، یاد می‌کند: «این صادق خرازی»

۱۳۹۰) ارجاع داده شده بود و از این لاین مسائل هاتارتا زمان نگارش نشده بود مورد استفاده نویسنده نیز قابل ذکر است که برخلاف گرامی‌مان آقای دکتر خرازی نیست، در این مورد تنها محدود به این نیست؛ بلکه علاوه بر همه‌های اشیای داخلی نیز از چنین سندی و برخلاف ادعای اخیر ایشان متن را به طرف آمریکایی نسبت ارات طرف ایدئان کاملاً مسئولیت گرفته شده است و در همین اطاق خرازی «سفیر وقت ایران» جلسه بررسی سیاست خارجی در بنیاد باران گفت: «ما برای نام به نگارش این نامه کردیم.» او ۲۰۰۳ دیوار به اعتماد و بلند بریکا وجود داشت و هر اخللی

دعایی که از سوی ایران برای آمریکا نوشته شده باشد وجود خارجی ندارد و اگر چنین مواردی وجود می‌داشت نسخه‌ای از آن به وزارت امور خارجه یا در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و یا در ارشيو ریاست جمهوری یافت شود. در واقع، برگه بدون سربرگ و امضایی که در برخی از رسانه‌های خارجی تحت عنوان نقشه راه منتشر و ادعا شده است که از سوی ایران برای دولت وقت آمریکا ارسال شده بوده است، متنی است که توسط خود آمریکایی‌ها از طریق یک واسطه برای سفیر ایران در پاریس فرستاده شده بود که با اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مغایرت داشت و نازل قابل بررسی یا ماذکر نبود و به همین جهت اینجانب به عنوان وزیر امور خارجه وقت جلوی آنرا گرفتم و متوقف شد. لطفا دستور فرمایید این تکذیبیه برای روشن شدن آذهان عمومی در همان صفحه روزنامه کیهان منتشر شود.

[illegible]

با حضور در نماز مندیهای روزنامه کیهان دامنۀ کار خود را گسترشی دهید